

یادداشت

«شریفجان، شریفجان» و اصلاحات ارضی!!!

فهیمة سادات موسوی^{۵۴۹}

تقی مدرسی از نویسندگان پیشرو ایران، ۱۷ مهر ۱۳۱۱ در تهران و در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. آثار بسیاری از این نویسنده نامدار منتشر شده، که اولین داستانش «دائم الخمر» (۱۳۲۵) را در سن سیزده سالگی منتشر کرد و مشهورترین داستانش معروف «یکلیا و تنهایی او» در سال ۱۳۳۴ منتشر شد که بافتی اساطیری دارد و برداشتی از یکی از داستان‌های عهد عتیق است. تقی مدرسی کمی بعد از انتشار این کتاب در سال ۱۳۳۸ به آمریکا مهاجرت کرد و در اردیبهشت سال ۱۳۷۶ در شهر بالتیمور در سن شصت و پنج سالگی بر اثر بیماری سرطان درگذشت.^{۵۵۰}

تقی مدرسی در سال ۱۳۴۴ رمان «شریفجان شریفجان» را نوشت. «شریفجان، شریفجان» داستانی در سیزده بخش است. این داستان با توصیف منطقه شریفجان آغاز می‌شود که در کنار کویر و راه‌آهن سراسری قرار دارد و وقایع اغلب از زبان فرهاد پسر اصلانی تعریف می‌شود. مضمون اصلی داستان «شریفجان، شریفجان» ماجرای تلاش سرهنگ جهانسوز برای تصاحب زمین‌های اصلانی عمده‌مالک منطقه است و در سراسر کتاب کشمکش این دو شخصیت اصلی نشان داده می‌شود. در بخش نخست داستان به صورت خلاصه اشاره می‌شود که پدر اصلانی در دوره مشروطه زمیندار بوده و در آن زمان سه بار موضع خود را بین سلطنت‌طلبان و مشروطه‌خواهان عوض کرده بود. گفته می‌شود که او زمین‌های جلال‌آباد را وقف کرده بود.

^{۵۴۹} کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

fahimehmusavi.fm@gmail.com

^{۵۵۰} حسن میرعابدینی، فرهنگ داستان‌نویسان ایران از آغاز تا امروز، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۶، صص ۲۵۱-۲۵۲.

سرهنگ با همین ادعا می‌خواست زمین‌ها را از اصلانی بگیرد. بعد شایعه‌هایی در رابطه با همسر اصلانی و سرهنگ جهانسوز و ارتباط مخفیانه آن‌ها بر سر زبان‌ها می‌افتد. در بخش دوم تا چهارم کتاب آماده شدن مأموران دولتی و همسران‌شان برای گاردن پارتی و ماجراهایی که در مراسم اتفاق می‌افتد، شرح داده می‌شود؛ اینکه زنان مجبور هستند بی‌حجاب در این مراسم حاضر شوند. همسر اصلانی از جمله زنانی است که از بی‌حجابی استقبال می‌کند. در پایان بخش چهارم همسر اصلانی پس از بازگشت از مهمانی، خانه را ترک می‌کند. در بخش‌های بعدی شایعات در رابطه با این خانواده و رسوایی‌های مرتبط با همسر اصلانی بیش‌تر می‌شوند و اختلافات جهانسوز و اصلانی هم علنی‌تر می‌شود. درحالی‌که دادگاه اصلانی نزدیک است - دادگاهی که قرار است بر وقعی بودن و نبودن زمین‌ها حکم بدهد - اصلانی برای مقابله با سرهنگ میان روستاییان جلال‌آباد اسلحه پخش می‌کند. فرهاد با دیدن گرد و غبار بر فراز شهر وقوع حادثه شومی را پیش‌بینی می‌کند، اما در نهایت همه چیز به نفع اصلانی تمام می‌شود؛ دادگاه به نفع او رأی می‌دهد و سرهنگ جهانسوز که شکست خورده است، به عرق‌خوری می‌افتد و در پایان داستان اصلانی همراه فرهاد به استقبال همسرش می‌رود.

حسن میرعابدینی در «صدسال داستان‌نویسی ایران» آورده که: «**شریفجان، شریفجان** (۱۳۴۴) از نخستین رمان‌هایی است که بلافاصله پس از اصلاحات ارضی منتشر شد و تأثیرهای اجتماعی آن را مورد ارزیابی قرار داد...»^{۵۱} این نقل قول به این معنی است که این پژوهشگر توانا ماجرای داستان «شریفجان شریفجان» را مربوط به دوره پهلوی دوم و در ارتباط با اصلاحات ارضی می‌داند. همین تصور در کتاب دیگر پژوهشگر با عنوان «فرهنگ داستان‌نویسان ایران» نیز تکرار شده است.^{۵۲} از طرفی جمال میرصادقی در کتاب «داستان‌نویس‌های نام‌آور معاصر ایران» این‌طور بیان می‌کند که: «تقی مدرسی بعد از **یکلیا و تنهایی** او رمان **شریفجان شریفجان** را انتشار داد که ... حوادث داستان در شهری تصویری اتفاق می‌افتد که اسم رمان شریفجان از آن گرفته شده و زمان داستان مقارن کشف حجاب و به

^{۵۱} حسن میرعابدینی، صدسال داستان‌نویسی ایران، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۷، ص ۵۱۷.

^{۵۲} حسن میرعابدینی، فرهنگ داستان‌نویسان ایران، ص ۲۵۲.

قدرت رسیدن ارتشی‌ها در ایران است...»^{۵۳} در واقع این دو پژوهشگر توانای ادبی دو دوره مختلف تاریخی را برای این داستان در نظر گرفته‌اند. حال این سؤال پیش می‌آید که وقایع این داستان در کدام دوره تاریخی اتفاق می‌افتد.

چند نکته در داستان ما را به این نتیجه می‌رساند که مسلماً داستان مربوط به دوره پهلوی اول است. این داستان حال و هوای دوره رضا شاه را دارد؛ کشف حجاب و اجباری بودن حضور زنان رؤسای ادارات به صورت بی‌حجاب در مهمانی‌ها مربوط به دوره رضاشاه است. در بخش سوم داستان هم از افتتاح کانون بانوان صحبت می‌شود که افتتاح این کانون‌ها مربوط به دوره رضاشاه است.^{۵۴} میرعابدینی در جای دیگری آورده است که در پایان داستان «شریفجان، شریفجان» اصلانی قصد دارد با آوردن تراکتور از مردم روستا انتقام بگیرد،^{۵۵} و ممکن است همین ورود تراکتور به روستا را دلیلی دانسته باشد بر اینکه این داستان در دوره پهلوی دوم رخ می‌دهد؛ من چندبار داستان را خواندم تا این مطلب را پیدا کنم، اما هیچ اشاره‌ای به آوردن تراکتور توسط اصلانی و یا حتی اشاره غیرمستقیم به آن را در داستان «شریفجان شریفجان» نیافتم. اصلانی در پایان داستان تراکتوری نمی‌آورد و حرفی هم از آوردن تراکتور نمی‌زند؛ بلکه همراه فرهاد برای استقبال از همسرش به ایستگاه راه‌آهن می‌رود. ضمن اینکه دلیلی برای انتقام گرفتن از روستاییان وجود نداشت؛ چراکه مردم شهر به شایعات راجع به او و خانواده‌اش دامن زده بودند و اتفاقاً روستاییان مسلح شده بودند تا به‌خاطر ارباب در مقابل جهانسوز قرار بگیرند. در نهایت اینکه ورود تراکتور هم مربوط به دوره پهلوی دوم نیست که بتوان حضور تراکتور را حجتی دانست بر این که داستان مربوط به دوره دوم پهلوی

^{۵۳} جمال میرصادقی، داستان‌نویس‌های نام‌آور معاصر ایران، تهران: نشر اشاره، ۱۳۸۲، ص ۱۷۲.

^{۵۴} الیز ساناساریان، جنبش حقوق زنان در ایران، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۴، صص ۹۵-۱۰۲.

^{۵۵} حسن میرعابدینی، صدسال داستان‌نویسی ایران، ص ۵۱۹.

است. استفاده از تراکتور هرچند به صورت محدود از سال ۱۳۰۸ در ایران آغاز شده است.^{۵۵۶} نکته دیگر این که در دوره رضاشاه است که نظامیان به صورت گسترده اقدام به زمین خواری می کنند: «در سال های دهه ۱۳۱۰... تعدادی از امرای ارتش و نزدیکان او بر بسیاری از املاک مرغوب چنگ انداخته بودند.»^{۵۵۷} در تاریخ ایران تصرف زمین توسط نظامیان و واگذاری زمین به نظامیان به صورت اقطاع امری شایع بوده است؛ اما این شیوه سنتی با لغو نظام تیولداری و بعد با ایجاد ثبت اسناد در ابتدای دوره پهلوی از بین رفت و این غصب زمین ها در دوره پهلوی اول عموماً به زور و حيله صورت می گرفت. در دوره پهلوی دوم، نظامیان کمتر زمین ها را تصاحب می کنند؛ زیرا تمایل به سرمایه گذاری در بخش کشاورزی کمتر شده است و سرمایه ها جذب بخش های دیگر چون صنعت، ساختمان و خدمات می شود که بازدهی بیشتری دارند. بنابراین اکثر سرمایه گذاران به سرمایه گذاری در شهر تمایل بیشتری پیدا کرده بودند.^{۵۵۸} در دوره پهلوی زمینداری بیش از آنکه صرفه اقتصادی داشته باشد، اهمیت سیاسی و اعتبار به همراه داشت، که این اعتبار و قدرت نیز رو به کاهش بود. از ابتدای دوره محمدرضاشاه انتقاد به نظام ارباب رعیتی به ویژه از سوی روشنفکران افزایش یافته و حکومت نیز دوبار اقدام به تقسیم زمین های خالصه کرده است.^{۵۵۹} به همین دلیل ورود به روستا با امکان تقسیم اراضی عاقلانه به نظر نمی رسد. یکی از انتقادات مهم مخالفان اصلاحات ارضی همین موضوع بود. اصلاحات ارضی به نفع مالکان بود. یعنی اینکه حکومت کار زمینداران برای انتقال سرمایه به شهر را آسان کرد. برخی از زمینداران خود برای فروش و واگذاری زمین شان

^{۵۵۶} منصور خلیلی عراقی و دیگران، «انتشار تکنولوژی جدید: مطالعه موردی کود شیمیایی و تراکتور در ایران»، مجله علمی-پژوهشی نامه مفید، ش ۶۰، تیر ۱۳۸۶، ص ۵.
^{۵۵۷} احمد اشرف و دیگران، طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۸، ص ۲۲۰.

^{۵۵۸} ن.ک. به: علی اصغر رضوانی، رابطه شهر و روستا، تهران: ماکان، ۱۳۸۲، ص ۱۴۳؛ محمدرضا سوداگر، بررسی اصلاحات ارضی (۱۳۴۰-۵۰)، تهران: موسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند، ۱۳۵۸، ص ۱۹.
^{۵۵۹} محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۷، ص ۲۴۷.

پیش قدم شدند و از طرفی اقدام جدی در مخالفت با این قانون صورت نگرفت. زمینداری که نفعی از زمین می‌برد هم با مکانیزه کردن زمین آن را حفظ می‌کرد.^{۵۶۰} در دوره رضاشاه و پیش از آن بود که زمینداری اعتبار بسیار داشت و افراد برای به دست آوردن زمین تلاش بسیار دارند، اما از ابتدای دهه بیست به تدریج برخی از اربابان شروع به خروج از روستا می‌کنند. همین سه مورد یعنی کشف حجاب، حضور اجباری همسران مسئولین و کارمندان در مراسم گاردن پارتی و افتتاح کانون بانوان و اینکه زمینداری پس از دوره پهلوی اول ارزش خود را از دست داده دلایل کافی هستند بر اینکه داستان مربوط به دوره پهلوی اول است. از طرفی در نقل قولی که از میرعابدینی آورده شده است، گفته شده که در داستان تأثیرات اجتماعی اصلاحات ارضی مورد ارزیابی قرار رفته است. درحالی‌که داستان حتی به صورت مستقیم وارد روستا نمی‌شود و تنها از قول فرهاد آورده می‌شود که پدرش به جلال‌آباد رفته و شایعه‌های مردم در رابطه با این سفر، شنیده می‌شود. در اصل اشاره‌ای به روستا نشده است که بخواهد تأثیرات اجتماعی اصلاحات ارضی را در آن بررسی کند. در رابطه با این داستان در جهت موافق با میرعابدینی تنها می‌توان چنین بیان کرد که این داستان مانند صدها داستان دیگر است که بر اثر توجه یک‌باره روشنفکران به نظام ارباب رعیتی و روستا بر اثر تصویب اصلاحات ارضی تولید شدند. نکته دیگر اینکه پس از اصلاحات ارضی برخی از روشنفکران از جمله جلال‌آل‌احمد که در رأس این گروه قرار دارد، برای اعتراض علیه قانون اصلاحات ارضی - که از نظر روشنفکران برای بهبود شخصیت شاه و بسط دیکتاتوری تصویب شده است - به هر کاری حتی تظہیر ارباب و لازم بودن حضور آنها دست می‌زنند؛ به‌طور مثال در داستان «نفرین زمین» آل‌احمد، بی‌بی همیشه در فکر روستاییان است و در پایان داستان با مرگ بی‌بی و مباشر روستا از هم می‌پاشد. یا در داستان «سووشون» ارباب تبدیل به یک قهرمان می‌شود. در داستان «شریفجان شریفجان» نیز سرهنگ جهانسوز شخصیت منفی و اصلانی شخصیت مظلوم داستان است که زمینش در شرف غصب شدن است. داستان به طرفداری از این خانواده اربابی تعریف می‌شود و روستاییان حاضرند برای ارباب با سرهنگ درگیر شوند و با اوج

^{۵۶۰} باقر مومنی، مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران: نشر پيوند، ۱۳۵۹، ص ۲۰۹.

گرفتن شایعات علیه خانواده ابرهای شومی بر فراز شهر می‌گردد و فرهاد نابودی شریفجان را - در صورت نابودی خانواده اربابی - پیش‌بینی می‌کند که با پایان ماجرا به نفع اصلانی فاجعه نیز برطرف می‌شود. تنها با چنین نگاهی می‌توان ارتباطی میان اصلاحات ارضی و این داستان یافت؛ در غیر این صورت شکی نیست که دوره زمانی‌ای که داستان در آن می‌گذرد، دوره رضاشاه است و «شریفجان شریفجان» تأثیرات اصلاحات ارضی را منعکس نمی‌کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ:

- اشرف، احمد، بنوعیزی، علی، طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: انتشارت نیلوفر، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- خلیلی عراقی، منصور، عبدلی، قهرمان، «انتشار تکنولوژی جدید: مطالعه موردی کود شیمیایی و تراکتور در ایران»، مجله علمی-پژوهشی نامه مفید، شماره ۶۰، تیر ۱۳۸۶، صص ۳-۱۸.
- رضوانی، علی اصغر، رابطه شهر و روستا، تهران: ماکان، ۱۳۸۲.
- ساناساریان، الیز، جنبش حقوق زنان در ایران، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۴.
- سوداگر، محمدرضا، بررسی اصلاحات ارضی (۱۳۴۰-۵۰)، تهران: موسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی یازند، ۱۳۵۸.
- مدرسی، تقی، شریفجان، شریفجان، تهران: انتشارات نیل، چاپ سوم، ۱۳۶۴.
- مومنی، باقر، مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران: نشر پیوند، ۱۳۵۹.
- میرصادقی، جمال، داستان نویس های نام آور معاصر ایران (با نقد و بررسی آثار سی و یک نویسنده از آغاز داستان نویسی تا انقلاب)، تهران: نشر اشاره، ۱۳۸۲.
- میرعابدینی، حسن، صدسال داستان نویسی ایران، تهران: نشر چشمه، چاپ پنجم ۱۳۸۷.
- میرعابدینی، حسن، فرهنگ داستان نویسان ایران، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۶.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۷.